

Comparison of Imam Hasan Askari's (AS) Confrontation with Anti-Islamic Actions of the Abbasid Caliphs and Skeptical Currents

Bahman Zeynali*

Seyyed Mohammad Sadegh Hoseyni Kojani**

(Received on: 2019-12-10; Accepted on: 2020-02-05)

Abstract

The Islamic society during the Imamate of Imam Hasan Askari (AS) (254-260 AH) faced many religious, political and cultural issues. The violent and repressive actions of the Abbasids, the activities of deviant and skeptical currents, the *Zangian* rebellion and the uprising of some *Alawites* were among the issues that had caused a crisis for the security and health of the Islamic society in the political, social and ideological spheres. Imam Hasan Askari (AS) in line with his divine mission in the face of these issues, adopted practical solutions and constructive and effective strategies, the result of which was to preserve Shiism and pave the ground for the occultation of Imam Zaman (AS). The purpose of the present study, which is based on the main sources and has been done in a descriptive-analytical method, is to explain how he dealt with the actions of two destructive currents of Islamic society, namely the Abbasid Caliphate and the skeptical currents. The main question of this research is, what method did Imam Hasan Askari take against these two currents and what was the difference between Imam's confrontation with *Bani Abbas* and skeptical currents? The hypothesis of this research is that the Imam's method was the negation of the both groups, but in proportion to the methods and actions of these two groups, he interacted softly with the Abbasids, and explicitly and harshly treated the skeptical currents.

Keywords: Imam Hassan Askari (AS), Abbasids, Skeptical Currents, Confrontation, Interaction.

* Assistant Professor, Department of History and Iranology, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), b.zeynali@ltr.ui.ac.ir.

** Assistant Professor, Department of Education, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran, sadegh.hoseynik@yahoo.com.

مقایسه نحوه مواجهه امام حسن عسکری (علیه السلام) با اقدامات ضداسلامی خلفای عباسی و جریان‌های شبهه‌افکن

بهمن زینلی*

سید محمدصادق حسینی کجانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶]

چکیده

جامعه اسلامی در دوران امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) (۲۵۴-۲۶۰ ه.ق.) با مسائل اعتقادی، سیاسی و فرهنگی متعددی مواجه شد. اقدامات خشن و سرکوبگرانه عباسیان، فعالیت جریان‌های انحرافی و شبهه‌افکن، شورش زنگیان و قیام برخی از علویان، از جمله مسائلی بود که امنیت و سلامت جامعه اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی را دچار بحران کرده بود. امام حسن عسکری (علیه السلام) همسو با رسالت الهی خویش در مواجهه با این مسائل، راهکارهای عملی و راهبردهای سازنده و تأثیرگذاری اتخاذ کرد که نتیجه‌اش حفظ تشیع و ایجاد آمادگی و زمینه‌سازی برای غیبت امام زمان (عج) بود. هدف پژوهش حاضر، که با استناد به منابع اصلی و به شیوه توصیفی تحلیلی تدوین شده، تبیین نحوه مواجهه آن حضرت با اقدامات دو جریان مخرب اعتقادات جامعه اسلامی، یعنی خلافت عباسی و جریان‌های شبهه‌افکن، است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: امام حسن عسکری چه شیوه‌ای در برابر این دو جریان در پیش گرفت و تفاوت مواجهه امام با بنی‌عباس و جریان‌های شبهه‌افکن چه بود؟ فرضیه این پژوهش آن است که شیوه امام، نفی هر دو جریان بود، اما متناسب با روش و اقدامات این دو جریان، تعامل و مواجهه نرم با عباسیان، و صراحت و رفتار تند با جریان‌های شبهه‌افکن را در پیش گرفت.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری (علیه السلام)، عباسیان، جریان‌های شبهه‌افکن، مواجهه، تعامل.

* استادیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) b.zeynali@ltr.ui.ac.ir

** استادیار گروه معارف، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

sadegh.hoseynik@yahoo.com

۱. بیان مسئله

با آغاز امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) جامعه اسلامی با بحران‌ها و مشکلات متعددی مواجهه شده بود. خلافت عباسی به شدت تضعیف شده بود و سرداران و حاکمان محلی سرزمین‌های اسلامی را از حاکمیت و حوزه اقتدار خلافت منتزع و مستقل کرده بودند. در مرکز خلافت عباسی نیز به دلیل نفوذ ترکان، خلفا قدرتشان در امور اداری و سیاسی را از دست داده بودند و آشوب و بی‌نظمی همه جا را فراگرفته بود. در این اوضاع آشفته، شورش برخی از جریان‌های انحرافی همچون صاحب‌الزنج از سوی، و قیام برخی از رهبران علوی از دیگر سو، بر مشکلات جامعه اسلامی افزوده بود. اما مهم‌ترین مسئله جامعه اسلامی در این زمان که مسئولیت هدایت و رهبری امام حسن عسکری (علیه السلام) را سخت‌تر کرده بود، ادامه فعالیت و ظهور جریان‌ها و اشخاص شبه‌افکن بود که با هدف گمراه کردن امت اسلامی فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده بودند. این فعالیت‌ها، که گاه با دخالت عناصر حکومتی دستگاه خلافت همراه بود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به مبانی اعتقادی مسلمانان وارد می‌کرد.

گرچه هر دو جریان ضد امام (علیه السلام) و به تعبیری دقیق‌تر ضد اسلام و آموزه‌هایش عمل می‌کردند، اما میزان اثرگذاری منفی و آسیب‌زایشان متفاوت بود. دستگاه خلافت و در رأس آن خلفا در مواجهه با شخص امام و شیعیان خشونت و تندی بیشتری به خرج می‌دادند، اما میزان و کیفیت خسارت رفتار آنها به مبانی اسلام با آسیب‌های مکاتب و جریان‌های شبه‌افکن متفاوت بود. در همین چارچوب، شیوه مواجهه و تعامل امام هم با این دو جریان متفاوت بود. شناخت این شیوه‌ها که در حکم اصول مواجهه با دشمنان اسلام است، در ادوار مختلف آموزنده و کاربردی خواهد بود.

هدف اصلی تدوین این مقاله که با استناد به منابع اصلی و به شیوه توصیفی تحلیلی نگاشته شده، تبیین نحوه تقابل و تعامل امام حسن عسکری (علیه السلام) با اقدامات ضداسلامی خلافت عباسی و جریان‌ها و افراد شبه‌افکن است؛ و در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که: امام حسن عسکری با این دو جریان چگونه مواجه می‌شدند؟ در صورت تفاوت رفتار امام (علیه السلام) با این دو جریان، دلیل اینکه امام عسکری (علیه السلام) شیوه‌های متفاوتی در برابر آنها اتخاذ می‌کرد، چه بوده است؟

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به دوران کوتاه امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) و وضعیت خاص سیاسی آن دوران، مطالعات و پژوهش‌های محدودی درباره حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن حضرت صورت گرفته است. درباره موضوع مقاله حاضر تاکنون پژوهش مستقلی نگاشته نشده است؛ پژوهش‌های انجام‌شده، با بخش توصیفی تحقیق حاضر همپوشان بوده و به حوزه تحلیلی مقاله حاضر ورود نکرده‌اند. این پژوهش‌ها عبارت‌اند از:

۱. «مواضع و اقدامات سیاسی امام حسن عسکری (علیه السلام) در برابر خلافت عباسی» (بهنیافر، ۱۳۹۱) که ضمن شرح اوضاع سیاسی جامعه اسلامی در عصر امام عسکری (علیه السلام) رفتار خلفای عباسی با آن حضرت و شیعیان را بررسی می‌کند و از طرفی اقدامات امام در مدیریت و زعامت جامعه تشیع را می‌کاود، اما به جریان‌های شبهه‌افکن اشاره‌ای نکرده و شیوه مواجهه امام (علیه السلام) با خلفای عباسی را هم بررسی نکرده است.

۲. «امام حسن عسکری (علیه السلام) و اندیشه‌های انحرافی» (شاهرودی و ملکلو، ۱۳۹۲)؛ این مقاله ضمن شرح مختصری از اوضاع سیاسی دوران امام عسکری (علیه السلام)، اقدامات امام برای تثبیت جایگاه امامت و همچنین راهبردهای امام در مواجهه با جریان‌های انحرافی را بررسی کرده، اما به مواضع خلفای عباسی هم‌دوره امام عسکری در قبال ایشان و جامعه تشیع اشاره‌ای نکرده است.

۳. «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت» (احمدی کجایی و ترابی میبدی، ۱۳۹۳)؛ این مقاله ضمن تشریح اوضاع جامعه تشیع در دوره دو امام (علیه السلام) اشاره کوتاهی هم به موضوعاتی چون تحریف قرآن، فعالیت صوفیه، فتنه جعفر، جریان محمدیه و شورش صاحب‌الزنج کرده و به جریان‌های شبهه‌افکن و همچنین مواضع خلفای عباسی در برابر این دو امام اشاره‌ای نکرده است.

۴. «سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم (علیه السلام) با مدعیان دروغین مهدویت» (عرفان، ۱۳۹۴)؛ این مقاله در دو بخش، موضوع مدعیان دروغین مهدویت را بررسی کرده است. در بخش نخست با عنوان «مدیریت دفعی در مرحله پیشینی» اقدامات امامان معصوم در مرحله قبل از بحران را می‌کاود. در بخش دوم با عنوان «مدیریت رفعی در مرحله پسینی» اقدامات امامان (علیه السلام) در مرحله بعد از بحران را بررسی می‌کند. در این مقاله اشاره کوتاهی هم به مواضع امام عسکری (علیه السلام) در برابر مدعیان مهدویت شده است.

چنان‌که در ابتدای بحث اشاره شد، محتوای مقالات اشاره‌شده و مقالات دیگری که درباره ابعاد مختلف حیات سیاسی و اجتماعی امام عسکری (علیه السلام) تدوین شده، علی‌رغم ارزش علمی و روشنگری درباره زندگی امام عسکری (علیه السلام) هیچ کدام شیوه مواجهه آن حضرت با دو جریان مخرب (حکومت عباسیان و جریان‌های شبه‌افکن) ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی را بررسی تطبیقی نکرده‌اند. بنابراین، ویژگی اصلی این پژوهش، مقایسه تحلیلی و تطبیقی مواجهه امام عسکری (علیه السلام) با خلافت عباسی و جریان‌های شبه‌افکن است.

۳. اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره امام حسن عسکری (علیه السلام)

با شهادت امام هادی (علیه السلام) در سوم رجب ۲۵۴ ه.ق. در سامراء، امامت و رهبری امام حسن عسکری آغاز شد (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۲) و حدود شش سال طول کشید (مفید، بی‌تا: ۳۰۱/۲). دوران امام حسن عسکری یکی از حساس‌ترین ادوار تاریخ اسلام و مقارن با حکومت سه تن از خلفای عباسی از جمله، معتز (۲۵۲-۲۵۵ ه.ق.)، مهدی (۲۵۵-۲۵۶ ه.ق.) و معتمد (۲۵۶-۲۵۹ ه.ق.) بود (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۲). خلافت عباسی در این زمان بسیار تضعیف شده و با بحران‌ها و مشکلات متعددی مواجه بود. تسلط ترکان بر دستگاه خلافت (طبری، ۱۳۵۴: ۳۷۹/۹-۳۸۰)، ایجاد و گسترش حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل (خضری، ۱۳۷۷: ۱۶۹؛ بهنیا، ۱۳۹۱: ۶۹)، قیام‌های علویان و شورش زنگیان (مسعودی، ۱۳۷۴: ۵۸۶/۲-۵۸۷) از جمله مهم‌ترین معضلات سیاسی خلفای عباسی هم‌عصر امام عسکری (علیه السلام) بود که زمینه تضعیف و ناکارآمدی دستگاه خلافت عباسیان را فراهم کرد. با وجود مشکلات بسیاری که برای خلافت عباسی ایجاد شده بود، خلفای عباسی هیچ‌گاه از امام عسکری (علیه السلام) و پیروان آن حضرت غافل نبودند و ایشان و افراد وابسته به آن حضرت را شدیداً زیر نظر داشتند. امام عسکری موظف شده بود هر دوشنبه و پنج‌شنبه حضور خویش را به دارالخلافت اعلام کند (طوسی، بی‌تا: ۱۲۹).

علاوه بر وضعیت سیاسی جامعه اسلامی و سیاست خشن خلفای عباسی علیه امام عسکری و شیعیان، اوضاع اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی در این زمان بهتر از وضعیت سیاسی نبود. در این زمان فرقه‌هایی همچون صوفیه، واقفیه، مَفَوَّضَه و غلات فعالیت گسترده‌ای را آغاز کرده بودند که باعث ایجاد شبهه و نهایتاً ضربه به اسلام

می‌شد؛ چنان‌که این دوره را می‌توان دوره اوج فتنه‌گری و مذهب‌سازی به شمار آورد که باعث تضعیف باور بسیاری از مسلمانان شد. مسئله دیگری که در این زمان جامعه اسلامی را دچار مشکل و بحران کرده بود و گهگاه بهانه فشار خلافت به امام و شیعیان می‌شد، قیام برخی از بزرگان علوی بود که بدون هماهنگی با امام عسکری علیه السلام دست به قیام می‌زدند و نه فقط کاری از پیش نمی‌بردند، بلکه خون شیعیان را هدر می‌دادند و اسباب زحمت و محدودیت برای امام هم می‌شدند (بهنیافر، ۱۳۹۱: ۷۱). در حالی که این مسائل وضعیت سخت و ناگواری را برای شیعه رقم زده بود، اقامت اجباری امام در سامراء باعث شد میان امام و شیعیان فاصله ایجاد شود و ارتباط با امام موجب مخاطرات بسیار شود (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۵۳۳/۳). ادامه این وضعیت موجب شد بسیاری از شیعیان به بهانه ارتباط با امام یا قیام‌گران علوی، از مقام‌های حکومتی اخراج شوند و تحت فشار و ظلم شدید قرار گیرند (اربلی، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۲). این فشارها آنچنان شدید بود که امام در دعایی وضعیت زمانه خود را بسیار سخت توصیف می‌کند: «خداوند! اطراف ما را فتنه‌ها فرا گرفته و شک و تردید پیرامون ما را احاطه کرده، عده‌ای شیاد خائن بر دین، امور را به دست گرفته و کمر به نابودی بندگان بسته‌اند و از مال یتیمان و بیوه‌زنان، اسباب فحشا و لهو و لعب فراهم ساخته و کفار و غیرمسلمانان را بر مؤمنان مسلط کرده و افراد فاسق را به ریاست و سرپرستی مؤمنان گماشته‌اند» (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۱۲۲).

۳.۱. نحوه تعامل امام حسن عسکری علیه السلام با خلفای عباسی

خلفای عباسی در تمام دوران حکومتشان از هیچ کوششی برای آزار امامان شیعه و ایجاد محدودیت برای آن بزرگواران دریغ نکردند. این آزارها بعد از امام رضا علیه السلام شدت بیشتری پیدا کرد و در دوران امام عسکری علیه السلام به اوج خود رسید. دشمنی با امام عسکری علیه السلام و افزایش فشار بر ایشان ناشی از دو عامل بود. نخست اینکه در زمان امام عسکری علیه السلام جامعه تشیع به قدرتی تأثیرگذار در منطقه عراق تبدیل شده بود و با توجه به آگاهی عباسیان از اعتقاد شیعه که حکومت آنها را طاغوت قلمداد می‌کردند و زعامت جامعه اسلامی را حق امامان شیعه و مشخصاً در این زمان حق امام عسکری علیه السلام می‌دانستند، بر امام عسکری علیه السلام و نزدیکان ایشان بسیار سخت‌گیری می‌کردند (اربلی،

۱۴۱۰: ۱۹۷/۳؛ مفید، بی تا: ۳۳۸). دوم اینکه عباسیان، زندگی خصوصی امام عسکری (علیه السلام) را زیر نظر گرفته و برای یافتن خبر و اطلاعاتی از چگونگی و زمان تولد فرزند آن حضرت، جاسوسانی بر ایشان گماردند (کلینی، ۱۳۷۲: ۱/۵۰۵-۵۰۶؛ مفید، ۱۴۱۴: ۲/۳۲۱). این دو عامل باعث شد محدودیت‌ها و فشارها بر امام افزایش یابد و در بیشتر دوران امامت، امام عسکری (علیه السلام) تحت نظر باشد و حتی در زندان به سر برد. حساسیت به امام آنچنان شدید بود که حتی وقتی امام در زندان بود تحت نظارت جاسوسان قرار داشت؛ ضمن اینکه اغلب، زندانبانانی که برای امام گماشته می‌شدند از افراد سخت‌گیر به امام و شیعیان بودند (مفید، ۱۴۱۴: ۲/۳۲۰، ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۹۵-۴۹۸). این وضعیت باعث شده بود شیعیان برای ملاقات آن حضرت دچار مشکل شوند و نتوانند رهنمودهای ایشان را دریافت کنند. یکی از حرب‌های عباسیان برای نظارت بر امام و ارتباطات ایشان با شیعیان، اعزام جاسوسان در کسوت شیعیان بود که امام با شناخت آنها، شیعیان خود را از وجودشان مطلع می‌کردند (مؤمن شبلنجی، بی تا: ۱۶۶). در دورانی که امام در زندان بود، با اتخاذ شیوه‌هایی دقیق و سری، مواضع و دیدگاه‌هایش را درباره نامشروع بودن خلفای عباسی و اقدامات ضداسلامی آنها از طریق نامه به شیعیانش انتقال می‌داد (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۴۲۷). با وجود همه این فشارها و محدودیت‌ها که دستگاه خلافت عباسی بر امام و شیعیان و یاران خاص ایشان اعمال می‌کرد، آن حضرت لحظه‌ای از انجام رسالتش، یعنی امامت امت اسلام و حراست از مبانی اسلام، غفلت نمی‌کرد و در برابر اقدامات مخرب خلفای عباسی، بر اساس مصلحت جامعه اسلامی اقداماتی انجام می‌داد که ضمن حفظ آرامش جامعه اسلامی، آثار اقدامات تخریبی بنی‌عباس را بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کرد. اقدامات امام عسکری (علیه السلام) که در چارچوب مجاهدت خاموش صورت گرفت به شیوه‌های زیر بود:

الف. رابطه تشکیلاتی با شیعیان از طریق تأسیس نهاد وکالت

اگرچه نهاد وکالت در زمان امام صادق (علیه السلام) تأسیس شد (صدوق، ۱۳۸۷: ۳۵۳-۳۵۴) اما اوج فعالیت این نهاد در زمان امامان عسکریین بود. زیرا این دو امام تحت مراقبت شدید یا در اقامت اجباری قرار داشتند. لذا برای ارتباط با جوامع شیعی ناگزیر بودند سازمان وکالت را توسعه دهند. نهاد وکالت در عهد امام عسکری (علیه السلام) در نقاط مختلف

جهان اسلام، از جمله حجاز، عراق، ایران و مصر، پراکنده بود و فعالیت می‌کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۳۴/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۲/۵۰). امام عسکری علیه السلام نمایندگانی را از میان شخصیت‌های برجسته شیعه انتخاب کرده و با آنان در ارتباط بود. از این راه شیعیان را در همه مناطق زیر نظر داشت و عثمان بن سعید را در رأس وکلای خود قرار داده بود (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۴۵؛ قمی، بی‌تا: ۴۴۸؛ طبری، ۱۳۷۱: ۳۲۲-۳۳۳). نفوذ واقفیه، غلات و سایر افکار انحرافی در شیعیان، به‌ویژه آن دسته از شیعیانی که در بلاد دور از زیستگاه امام زندگی می‌کردند، از همین طریق وکالت مهار و دفع می‌شد و این خود در حفظ اصالت فرهنگی شیعه و جلوگیری از آلودگی‌های دیدگاه آن به انحراف، نقش بسزایی داشت (جعفریان، ۱۳۸۷: ۵۵۴). بنابراین، نظام وکالت، علاوه بر اینکه زمینه ارتباط امام با شیعیان را با هزینه و آسیب‌های کمتری فراهم می‌کرد اسباب پذیرش وضعیت عصر غیبت را هم آماده می‌کرد.

ب. استفاده از سیاست تقیه

از مهم‌ترین راهبردهای امام عسکری علیه السلام در برابر اقدامات خصمانه خلفای عباسی، استفاده از سیاست تقیه بود که برای حفظ جان خویش و شیعیان و جلوگیری از فرسایش نیروهای شیعه از آن استفاده می‌کردند. امام نه فقط خود از سیاست تقیه استفاده می‌کرد، بلکه شیعیان و یارانش را نیز به آن تشویق می‌کرد. آن حضرت به هنگام مواجهه با یکی از اصحاب که در تقیه کوشا بود، فرمود: «تو مصداق سخن پیامبر صلی الله علیه و آله هستی که فرمود: کسی که دیگری را به کار خیری راهنمایی کند گویا آن را انجام داده است» (طبرسی، ۱۳۷۱: ۲۴۰). با توجه به وضعیت امنیتی دوره امام عسکری علیه السلام، آن حضرت تا حد امکان، از این روش استفاده می‌کرد. این حساسیت تا جایی بود که ایشان گاه به شیعیان خود پیام می‌فرستاد که برای حفظ جانتان به من سلام نکنید و با دست اشاره نکنید (همان: ۲۳۸). سیاست تقیه به منظور حفظ و نگهداری شیعیان بود و امام عسکری علیه السلام با رعایت تقیه و سفارش به آن شیعیان، عملاً امکان فعالیت و بقای شیعه را فراهم کرد و این اقدام هم مانند سازمان وکالت با کمترین هزینه، مبارزه خاموش با خلفای عباسی و دستگاه جبار آن را انجام دادند. توجه به این مسئله باعث شد جامعه شیعه، در عین تهدیدات موجود، بتواند جایگاه اجتماعی خود را حفظ و

تقویت، و ضربات دشمن را دفع کند. با همین رویکرد بود که امام حسن عسکری (علیه السلام) در محیطی مانند سامراء که در آن شیعیان کمی حضور دارند، توانست برنامه‌های خود را اجرا و شیعیان را برای ورود به عصر غیبت آماده کند.

ج. پاسداری از شیعیان و پرورش نیروهای کارآمد

یکی از رسالت‌های اصلی ائمه (علیهم السلام) در طول حیاتشان، پاسداری و حراست از مبانی دین مبین اسلام بود. امام عسکری (علیه السلام) هم برای تحقق این هدف از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. از مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی امام عسکری (علیه السلام) تربیت و آماده‌سازی رهبران شیعه برای مواجهه با بحران‌ها، سختی‌ها و معضلات شیعه در مسیر مبارزات سیاسی بود. گرچه حضرت عسکری بر اثر نامساعد بودن زمان و محدودیت بسیار شدیدی که حکومت عباسی اعمال می‌کرد، موفق به گسترش دانش دامنه‌دار خود در سطح کل جامعه نشد، ولی موفق به تربیت شاگردانی شد که هر کدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف ناب تشیع و رفع شبهات دشمنان شیعه نقش مهم و بسزایی داشتند. با توجه به اینکه بیشترین فشارهای دولت عباسی متوجه رهبران و شخصیت تشیع بود، امام هر یک از آنها را به نحوی دلگرم و راهنمایی می‌کرد و روحیه‌شان را بهبود می‌بخشید تا میزان تحمل، صبر و آگاهی‌شان در برابر فشارها فزونی یابد و بتوانند مسئولیت مهم اجتماعی، سیاسی و دینی‌شان را به‌خوبی انجام دهند (پیشوایی، ۱۳۷۴: ۶۴۲). شیخ طوسی تعداد شاگردان آن حضرت را بیش از صد نفر ثبت کرده است که در میان آنان شخصیت‌های برجسته و مردان وارسته‌ای، مانند احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابوهاشم داود بن قاسم جعفری، عبدالله بن جعفر حمیری، ابوعمرو عثمان بن سعید عمّری (نائب خاص حضرت حجت)، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفار به چشم می‌خورند (طوسی، ۱۳۸۱: ۴۲۷). این افراد هر کدام نقش پُررنگی در ارتباط امام با شیعیان و حل مسائل آنها داشتند. مثلاً احمد بن اسحاق اشعری قمی از نزدیک‌ترین یاران امام عسکری (علیه السلام) بود. او محرم اسرار امام بود و از برخی رازها آگاه می‌شد. یکی از آنها خبر ولادت حضرت حجت (علیه السلام) است که امام عسکری (علیه السلام) از طریق پیک ویژه خویش احمد را از تولد فرزندش آگاه ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۵۱، ۷۷). شیخ طوسی می‌نویسد: «احمد ابن اسحاق قمی مورد اعتماد ما است. او مقامی بزرگ دارد و از یاران نزدیک امام حسن عسکری (علیه السلام) است. احمد

که پیشوای علمای قم بود، بارها به محضر ائمه معاصرش مشرف شد و مسائل دینی‌اش را از آنها پرسید» (طوسی، بی‌تا: ۶۷۱، ش ۵۸۱۷). نجاشی معتقد است احمد ابن اسحاق قمی رابط بین شیعیان قم و ائمه علیهم‌السلام بود. وجوهات مردم را پیش آنان می‌برد و پاسخ مسائل شرعی را هم می‌گرفت و به شیعیان می‌رساند. او از یاران ویژه امام عسکری علیه‌السلام به شمار می‌آید (نجاشی، بی‌تا: ۹۱، ش ۲۲۵).

۲.۳. مواجهه امام عسکری علیه‌السلام با جریان‌های شبهه‌افکن

پیش‌تر اشاره شد که امام در دو جبهه مبارزه می‌کرد: نخست مبارزه با خلفا و دستگاه ستمگر خلافت عباسی و دیگری مبارزه با جریان‌های انحرافی و شبهه‌افکن. از ویژگی‌های بارز این دوره رواج جریان‌های فتنه‌گر و مذهب‌ساز بود. در این زمان اندیشه‌های انحرافی مذهبی و جریان‌های مختلف مانند صوفیه، واقفیه، مفوضه، غلات و زنگیان در بطن جامعه اسلامی ظهور کردند و زمینه طرح و رواج شبهات در باب اصول دین، به‌ویژه توحید و امامت، فراهم شد. این فعالیت‌ها به قدری گسترده و دامنه‌دار بود که برخی از شیعیان، در امامت امام عسکری علیه‌السلام دچار تردید شدند؛ تا آنجا که امام علیه‌السلام فرمود: «هیچ یک از پدرانم، آن‌گونه که من گرفتار تردید گروهی از شیعیان خود شدم، مورد تردید واقع نشدند» (حرانی، ۱۳۸۲: ۸۸۸). امام عسکری علیه‌السلام در مواجهه با این‌گونه انحرافات، دو روش غیرمستقیم و مستقیم را در پیش گرفتند.

۳.۲.۱. مواجهه غیرمستقیم

امام عسکری علیه‌السلام در مواجهه با برخی جریان‌های انحرافی و شبهه‌افکن به صورت غیرمستقیم وارد شدند و از رفتار مستقیم با آنها پرهیز کردند؛ چراکه در برخی امور، مواجهه مستقیم نه فقط منجر به اصلاح نمی‌شد، بلکه نتیجه عکس داشت. برخی از مباحث و موضوعاتی که امام در تبیین آنها به صورت غیرمستقیم عمل کرد عبارت است از:

الف. تبیین جایگاه توحید و امامت

با توجه به اینکه یکی از اقدامات تخریبی خلفای عباسی و گروه‌های انحرافی

مطرح کردن شبهات و ایجاد شک و تردید درباره مبانی بنیادی و اصول اساسی دین مبین اسلام از جمله دو اصل توحید و امامت بود، ائمه معصوم (علیهم السلام) وظیفه اصلی خویش را پاسخ به این شبهات و رفع تردیدها درباره اصول دین می دانستند. امام عسکری (علیه السلام) هم مانند اجداد بزرگوارش با تمام توان در راه شبهه زدایی و رفع شک و تردیدی که عناصر داخلی و خارجی ایجاد کرده بودند، می کوشید. آن حضرت برای پرسش های وکلای ایشان یا سایر شیعیان که از طریق نامه درباره توحید و امامت مطرح می کردند، پاسخ های دقیق و هدایت کننده می فرستاد و آنها را در برابر فتنه های شبهه افکنان و عناصر تخریبگر هدایت می کرد (صدوق، ۱۳۸۷: ۱۰۲). از جمله شبهات اعتقادی مطرح شده مربوط به اصل توحید در زمان امام عسکری (علیه السلام)، موضوع خلق قرآن و مسئله بقاء بود^۱ که به صورت خاص درباره آیه ۳۹ سوره رعد^۲ پدید آمده بود. امام عسکری (علیه السلام) همانند ائمه قبل از خود، قائل به حادث بودن کلام خدا بود و در پاسخ به یکی از اصحاب که در این باره پرسیده بود، فرمودند: «آیا محو می کند جز آنچه بوده و آیا اثبات می کند جز آنچه نبوده است؟ خدای جبار و حکمران بالاتر است و به همه چیز، قبل از اینکه به وجود بیایند آگاهی دارد» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۴۹). این پاسخ ها علاوه بر اینکه باور و اعتقاد یاران امام را تقویت و استوار می کرد زمینه خنثاسازی شبهات و تردیدها را هم فراهم می آورد.

آن حضرت علاوه بر تبیین اصل توحید، مقام امامت و جایگاه این مقام را که به شدت در معرض حمله و تخریب بود، تبیین و با استناد به آیات قرآن، امامت را اثبات می کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۹/۵۰-۳۲۳). علاوه بر این، آن حضرت گاه در مواجهه با برخی از شبهه افکنان درباره مقام امامت، با ظهور کرامتی از جایگاه امامت حراست و پاسداری می کرد (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۴۰/۳).

ب. هدایت و پشتیبانی رهبران و بزرگان شیعه در مواجهه با شبهات

در بخش مواجهه امام عسکری (علیه السلام) با خلافت عباسی بیان شد که یکی از اقدامات مهم امام عسکری (علیه السلام) تربیت کادر رهبری و مدیریتی جامعه شیعه بود. آن حضرت توجه ویژه ای به هدایت و راهنمایی رهبران و بزرگان شیعه داشت و اقدامات منظم و دقیقی برای پشتیبانی از رهبران شیعه و اقدامات آنها در سراسر دنیای اسلام انجام

می‌داد. با توجه به اینکه در زمان امام عسکری (علیه السلام) فرهنگ تشیع گسترش یافته و به دورترین نقاط جهان اسلام رسیده بود و جمعیت شیعه نیز بخش چشمگیری از امت اسلامی را تشکیل می‌داد، ضرورت ارتباط امام با جامعه شیعه، به‌ویژه رهبران و بزرگان‌شان، بیشتر احساس می‌شد. امام عسکری (علیه السلام) از دو طریق ارتباط خود با جامعه تشیع و بزرگان‌شان را حفظ می‌کرد. نخست به صورت غیرمستقیم و از طریق وکلا و دوم به طور مستقیم که به صورت کتبی یا شفاهی بود (همان: ۳/۲۳۸؛ طبسی، ۱۳۷۱: ۲۲۳). امام از این دو طریق ضمن تبیین و تشریح مشکلات مسیر مبارزاتی شیعیان، از جمله اسارت به دست عباسیان، فقر و تنگ‌دستی، راهکارهای مواجهه با این معضلات را در اختیار رهبران و بزرگان شیعه قرار می‌داد. آن حضرت در پاسخ به یکی از اصحاب که از وضعیت بد زندگی‌اش شکوه می‌کرد، فرمود: «تهی‌دستی و با ما بودن، بهتر از بی‌نیازی در کنار دیگران، و کشته‌شدن با ما، بهتر از زندگی با دشمنان ما است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۰/۲۹۹؛ اربلی، ۱۴۱۰: ۳/۲۱۱). همچنین، امام در نامه‌ای به ابن‌بابویه قمی، بعد از ذکر سفارش‌ها و راهبردها، فرمود: «صبر کن و منتظر فرج باش ای شیخ من! ای ابوالحسن! بر کار همه شیعیان ما صبر کن» (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴/۴۵۹).

آن حضرت با وجود محدودیت‌ها و مشکلاتی که عباسیان ایجاد کرده بودند، شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در گسترش و توسعه معارف اسلامی و رفع شبهات، نقش مؤثری داشتند. آنها علوم و معارف حقه شیعه را از امام می‌گرفتند و با رعایت احتیاط و پذیرش خطرهای بسیار آنها را به شیعیان می‌رساندند. شاگردان امام از دو طریق معارف دریافتی از امام را به اطلاع شیعیان می‌رساندند: یکی نقل شفاهی این معارف، و دیگری با تألیف و تدوین کتاب و نوشته‌ها (کشی، ۱۳۴۸: ۴۴).

۳.۲.۲. مواجهه مستقیم با منحرفان

برخلاف نمونه‌های فوق، گاه امام در مواجهه با برخی گروه‌ها و جریان‌ها به صورت مستقیم و بی‌پرده رفتار می‌کرد، از جمله در مواجهه با جریان‌های واقفیه، غلات مفوضه، صوفیه، ثنویه و منحرفان از امامت.

الف. مواجهه با واقفیه^۳

واقفیه از جمله مهم‌ترین گروه‌های انحرافی شیعه بود که از زمان امام کاظم (علیه السلام) با

اهداف عمدتاً اقتصادی و منفعت طلبانه در جامعه شیعه ظهور کردند. امام عسکری (علیه السلام) در مواجهه با این گروه به طور مستقیم رفتار کرد و شیعیان را به شدت از آنها پرهیز داد. آن حضرت در پاسخ به نامه یکی از یاران، که درباره واقفیه پرسیده بود، هر گونه ارتباط با آنها از جمله دوستی با آنان، عیادت از بیمارانشان، تشییع جنازه امواتشان و به طور کلی ارتباط با آنها را نفی کرد و دلیل این کار را انکار امامت امامان بعد از موسی بن جعفر (علیه السلام) دانست و کم و زیاد کردن تعداد امامان را از مصادیق رفتاری آنان برشمرد (اربعی، ۱۴۱۰: ۹۱۲/۳).

ب. مواجهه با غلات^۴ و مفوضه^۵

از جمله گروه‌های خطرناک برای مکتب تشیع در زمان امام عسکری (علیه السلام) غلات و مفوضه بودند. امام عسکری (علیه السلام) مسلمانان را از پیروی از غلات و افکار انحرافی‌شان برحذر می‌داشتند و آنها را تکذیب می‌کردند و دروغ‌گو می‌خواندند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۳). آن حضرت در مواجهه با ادريس بن زياد، که درباره اهل بيت (علیهم السلام) غلو می‌کرد، ضمن رد سخنانش فرمودند: «فرشتگان که بندگان شایسته خدایند، هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند و همیشه به فرمان او عمل می‌کنند»^۶ (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۶۱/۴). همچنین، در ملاقاتی که کامل بن ابراهیم به نمایندگی از گروهی از مفوضه با امام عسکری داشت، فرزند بزرگوار امام، حضرت حجت (علیه السلام) حضور داشتند و در پاسخ به پرسش‌های او صراحتاً فرمودند: «مفوضه دروغ گفته‌اند؛ بلکه دل‌های ما ظرف مشیت‌های الهی است. پس اگر او بخواهد، ما می‌خواهیم». امام عسکری (علیه السلام) ضمن تأیید فرمایش فرزند بزرگوارشان گفتار مفوضه را رد کردند و در پاسخ به ادعای آنها، همان پاسخ حضرت حجت (علیه السلام) را بیان کردند (طوسی، بی‌تا: ۸۴۱). امام عسکری (علیه السلام) در پاسخ به یکی از شیعیان که از طریق نامه درباره ادعاهای غالیانه علی بن حسکه^۷ پرسیده بود، نوشتند: «ابن حسکه دروغ گفته است، خدا او را لعنت کند. تو را همین بس که من او را جزء دوستانم نمی‌شناسم. خدا لعنتش کند؛ هر کجا او را یافتید، با سنگ سرش را خرد کنید» (خویی، ۱۴۱۳: ۳۴۳/۱۲-۳۴۴). مفوضه در این دوره به شدت فعال شده بودند و همین فعالیت موجب درگیری شدید بین آنها با دیگر صحابه امام شده بود. نقطه اوج این درگیری در نیشابور بین فضل بن شاذان و مفوضه روی داد.

امام عسکری در واکنش به این حادثه نامه‌ای به اهالی نیشابور نوشتند و عقاید مفوضه و طرفدارانشان را شدیداً محکوم کردند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۴۰).

ج. مواجهه با صوفیه^۸

گروه صوفیه از جمله گروه‌هایی بودند که در طول تاریخ با لباس دین در تقابل با امامان و همچنین پیروان حقیقی ائمه (علیهم‌السلام) که در کسوت عرفان ناب بودند، قرار داشتند. امامان معصوم (علیهم‌السلام) به شدت با آنها رفتار می‌کردند و مردم را از خطر انحرافات آنها بر حذر می‌داشتند. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نیز همانند پدران بزرگوار خویش در مقابله با دیدگاه این فرقه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد (قمی، بی‌تا: ۱۴۵). امام عسکری (علیه‌السلام) به محض اطلاع از این موضوع که احمد بن هلال با صوفی‌گری و خودنمایی، برخی را می‌فریبد و به نام ائمه (علیهم‌السلام) به عقیده حقه شیعیان حمله، و مردم را از مسیر راستین منحرف می‌کند، به نمایندگانشان در عراق نوشت: «از صوفی‌ظاهرساز پرهیز کنید»^۹ (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۰). نیز هنگامی که جمعی از شیعیان، نماینده‌ای را نزد امام فرستادند تا بلکه امام درباره احمد بن هلال تجدیدنظر کند، امام ضمن رد درخواست شیعیان، وی را فردی دروغ‌گو شمرد و به نماینده شیعیان اعلام کرد که احمد بن هلال بدون رضایت امام در امور مربوط به امامت دخالت می‌کند و همین باعث شده است خدا گناه او را نبخشاید و اهل دوزخ باشد (مامقانی، ۱۳۵۲: ۹۹). امام عسکری (علیه‌السلام) آشکارا با پرهیزدادن از این گروه، موضع رسمی خود را علیه آنان بیان کرد و این خط‌مشی را نیز به پیروان خویش نشان داد (قمی، بی‌تا: ۱۴۵). آن حضرت ضمن برشمردن برخی از اوصاف و ویژگی‌های صوفیه، شیعیان را به دوری از آنها تشویق می‌کرد و این شیوه را از اسرار ائمه و بر مبنای رهنمودهای امام صادق (علیه‌السلام) می‌دانست (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۳۸/۱۱).

د. مواجهه با ثنویه^{۱۰}

از جمله گروه‌های شبه‌افکن در زمان امام عسکری (علیه‌السلام) ثنویه یا دوگانه‌پرستان بودند که زمینه رواج شبهه در باب توحید را فراهم می‌کردند. حضرت عسکری (علیه‌السلام) با ثنویه نیز مواجهه مستقیم و شدیدی داشت و خطر آنها را گوشزد می‌کرد. آن حضرت

در ملاقات با یکی از شیعیان در سامراء، او را که بر اثر مناظره با فردی از ثنویه و تحت تأثیر افکار ثنویان دچار شک و تردید شده بود، خطاب قرار داد و فرمود: «أحدٌ، أحدٌ، فَوَحَّدَهُ؛ خدا یکی و یکتا است، پس تو هم یکی بدان!» (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۱۱/۱، ح ۲۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۶۲/۴). هنگامی که یکی از شیعیان در نامه‌ای از امام درخواست دعا برای پدر و مادرش کرد (در حالی که مادرش مؤمنه و پدرش ثنوی بود) حضرت در جواب نوشت: «رَحِمَ اللهُ وَالِدَتَكَ وَالْتَأَمَّ مَنقُوطَةٌ مِنْ فَوْقٍ»^{۱۱} (اربلی، ۱۴۱۰: ۲۲۱/۳؛ مجمع جهانی علوم اهل بیت (علیهم السلام) ۱۴۲۲: ۱۴۴/۱۳). این جواب نشان‌دهنده حساسیت شدید حضرت عسکری (علیه السلام) به ثنویه است. آن حضرت علاوه بر دعانکردن در حق پدر دوگانه‌پرست او، تصریح کرده‌اند که «ت»، «یا» خوانده نشود. این نمونه‌ها همگی دلالت قاطع بر این دارد که امام حسن عسکری (علیه السلام) با ثنویان به صورت مستقیم و محکم مبارزه می‌کردند و شیعیان را از آسیب‌های آنان پرهیز می‌دادند.

ه. مواجهه با مدعیان امامت

از دیگر گروه‌هایی که امام عسکری رفتار مستقیم و محکمی با آنان داشت، مدعیان امامت بودند. در زمان امام عسکری (علیه السلام) عده‌ای از شیعیان قائل به امامت محمد بن علی، برادر حضرت عسکری (علیه السلام)، در زمان حیات حضرت هادی (علیه السلام) شدند و به امید تثبیت امامت، این ادعا را به شدت تبلیغ کردند. از جمله کسانی که در اثبات امامت برادر امام عسکری می‌کوشیدند، شخصی به نام ابن‌ماهویه بود که بعد از شهادت امام هادی (علیه السلام) این باور و ادعای غلط را بهانه کرد و برای دورکردن شیعیان از حضرت عسکری می‌کوشید (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۳۴). امام عسکری برای ختناسازی اقدامات وی و دیگر مروجان امامت محمد بن علی، از روش‌های مختلف اقداماتشان را نفی، و امامت خود اثبات را می‌کرد. از جمله اقدامات امام در این خصوص نمونه‌های ذیل است:

۱. اثبات امامت خویش از طریق معجزات، کرامات و خبرهای غیبی (مفید، بی‌تا: ۳۳۰/۲).
۲. حفظ مسائل امنیتی درباره امامت خویش (اربلی، ۱۴۰۱: ۲۳۲/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۳۳/۴).
۲. رفع شبهه شکاکان (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۴/۵۰).
۳. راهنمایی مردم با نامه‌نگاری (حرانی، ۱۳۸۲: ۸۸۲).

۳.۳. نحوه مواجهه امام عسکری (علیه السلام) با قیام‌ها و شورش‌های داخلی

در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام)، حرکت‌های اعتراض‌آمیزی انجام شد که برخی از آنها به دست شیعیان و برخی با سوءاستفاده از نام علویان بود. این حرکت‌ها نه فقط تأیید امام را به همراه نداشت، بلکه امام اصحاب و شیعیان را از همراهی با این جریان‌ها پرهیز می‌داد؛ چراکه برخی از بزرگان علوی که بدون هماهنگی با امام عسکری (علیه السلام) مبادرت به قیام می‌کردند، نه فقط کاری از پیش نمی‌بردند، بلکه خون شیعیان را هدر می‌دادند و اسباب زحمت و محدودیت برای امام را هم فراهم می‌کردند (بهینافر، ۱۳۹۱: ۷۱). مهم‌ترین قیام‌های علویان یا مدعیان علوی در دوره امام عسکری عبارت بودند از:

۱. قیام ابراهیم بن محمد علوی معروف به ابن‌الصوفی: وی در سال ۲۵۶ ه.ق. در مصر قیام کرد و شهر اسنا را به تصرف خود درآورد و سپاه احمد بن طولون را شکست داد، ولی برای بار دوم از لشکر وی شکست خورد و پس از تحمل تلفاتی گریخت و مخفی شد، تا سال ۲۵۹ ه.ق. که مجدداً قیام، و مردم را به گرد خود جمع کرد. سرانجام پس از عزیمت به مکه، فرماندار این شهر وی را دستگیر کرد و نزد ابن طولون فرستاد و زندانی شد. پس از آزادی از زندان به مدینه بازگشت و در همان جا فوت کرد (مسعودی، ۱۳۶۳: ۴/۳۶۴).

۲. قیام علی بن زید علوی: وی در سال ۲۵۴ ه.ق. در کوفه قیام کرد و آن شهر را به تصرف خود درآورد و نماینده حکومت را اخراج کرد. لشکریان خلیفه چندین بار با وی جنگیدند تا سرانجام در سال ۲۵۷ ه.ق. کشته شد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۷/۲۳۹).

۳. قیام عیسی بن جعفر علوی: او به همراه علی بن زید در کوفه قیام کرد. معتز، لشکری به جنگ وی فرستاد و او را شکست داد. مسعودی، قیام او را در سال ۲۵۵ ه.ق. ذکر کرده است (مسعودی، ۱۳۶۳: ۴/۹۴).

۴. قیام احمد بن محمد بن عبدالله: او در زمان معتمد عباسی در مصر بین برقه و اسکندریه قیام کرد و با پیروان پُرشماری که پیدا کرد، ادعای خلافت کرد. احمد بن طولون، کارگزار ترک خلیفه در آن دیار، سپاهی به سوی او فرستاد که یاران او را از اطرافش پراکنده کردند و او را پس از مقاومت کشتند (همان: ۴/۱۰۸).

۵. شورش صاحب زنج: وی در سال ۲۵۵ ه.ق. قیام کرد. در جریان شورش وی، هزاران نفر کشته شدند و سپاهیان وی به عرض و ناموس مردم تعرض کردند و دهها شهر را به آتش کشیدند. وی خود را علی بن محمد و علوی معرفی می‌کرد و نسبتش را به علی بن الحسین (علیه السلام) می‌رساند، در حالی که دروغ می‌گفت. نسبت او به عبد قیس می‌رسید و مادرش از بنی‌اسد بن خزیمه بود (همان: ۱۱۲/۴). زنگیان به رهبری علی بن محمد، معروف به صاحب زنج، در سال ۲۵۵ ه.ق. علیه خلیفه عباسی قیام کردند (ابوالفداء، بی‌تا: ۴۶/۲). این قیام پانزده سال ادامه داشت و مناطق وسیعی را به اشغال خود درآورد (ابن‌عمرانی، ۲۰۰۱: ۱۳۸/۱). امام حسن عسکری (علیه السلام) صراحتاً اعلام کرد که صاحب زنج از اهل بیت (علیهم السلام) نیست (ابن‌شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۵۲۹/۳).

۶. شورش خوارج که از سال ۲۵۲ ه.ق. به رهبری مساور بن عبدالحمید آغاز شد و حتی پس از درگذشت او در سال ۲۶۳ ادامه داشت. مساور، در اندک‌زمانی بر بیشتر شهرهای عراق تسلط یافت و از فرستادن خراج و مالیات برای خلیفه جلوگیری کرد و در تمام مواجهاتی که با سپاهیان خلیفه داشت بر دشمن غلبه کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۱۷۴/۷).

نتیجه

۱. وضعیت جامعه اسلامی، به‌ویژه اوضاع جامعه شیعه و در صدر آن وضعیت امام حسن عسکری (علیه السلام) بسیار حساس و شکننده بود؛ زیرا علاوه بر سیاست خشن دستگاه خلافت عباسی علیه امام عسکری (علیه السلام) و شیعیان که باعث زحمت و آسیب‌های فراوان بر آن حضرت و پیروانشان شده بود، فرقه‌های انحرافی همچون صوفیه، واقفیه، مفوضه و غلات فعالیت گسترده‌ای را به منظور شبهه‌افکنی در بنیان باورهای اسلامی آغاز کرده بودند که باعث تضعیف باور بسیاری از مسلمانان شده بود.

۲. اقدامات امام عسکری (علیه السلام) که در چارچوب مجاهدت خاموش صورت می‌گرفت و به اشکال زیر بود: رابطه تشکیلاتی با شیعیان از طریق تأسیس نهاد وکالت؛ استفاده از سیاست تقیه؛ پاسداری از شیعیان و پرورش نیروهای کارآمد؛ تلاش برای نفوذ معنوی در بین شخصیت‌های سیاسی دربار عباسی.

۳. بخش مهمی از جریان‌های انحرافی و شبهه‌افکن منسوب به تشیع بودند و رفتار با آنها بسیار حساس و پیچیده بود. لذا برخلاف دستگاه خلافت عباسی که اقداماتش

آشکار و فهمیدنی بود، مواجهه با فرق انحرافی کار ساده‌ای نبود. امام عسکری علیه السلام با توجه به این وضعیت به دو روش با جریان‌های انحرافی مواجه شدند: نخست شیوه غیرمستقیم که البته بی‌شبهت به روش مواجهه امام علیه السلام با دستگاه خلافت عباسیان نبود؛ و دوم به شیوه مستقیم و البته صریح و آشکار که نشان از خطرناک بودن این جریان‌ها است. مواجهه غیرمستقیم امام علیه السلام با این جریان‌ها در چارچوب تبیین جایگاه توحید و امامت، رفع شبهات، هدایت و راهنمایی رهبران و بزرگان شیعه و تربیت شاگردان به منظور گسترش علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام صورت گرفت و مواجهه مستقیمی نیز با جریان‌هایی همچون واقفیه، غلات و مفوضه، صوفیه، ثنویه، منحرفان از امامت و شورشیانی مانند صاحب‌الزنج انجام شد. امام علیه السلام در مواجهه با این جریان‌ها بسیار صریح و آشکار عمل کرد و گاهی حتی دستور قتل و نفی‌شان را داد. واکنش قاطع امام تبیین‌کننده این واقعیت است که امکان مصلحت‌اندیشی در برابر گروه‌ها و جریان‌هایی که زمینه‌شبهه و کج‌اندیشی در جامعه اسلامی را فراهم می‌کنند، وجود ندارد و وظیفه جامعه اسلامی و افراد تأثیرگذار، مواجهه آشکار و روشن با این جریان‌ها است.

پی‌نوشت‌ها

۱. این باور که خدا بر همه چیزها و رویدادها، از گذشته و حال و آینده، آگاه است و چیزی، اعم از اندک و بسیار، بر او پوشیده نیست تا با آگاهی از آن، جهل پیشین وی برطرف شود (کلینی، ۱۳۷۲: ۱۰۷).
۲. «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ».
۳. واقفیه (ناووسیه) به گروهی از شیعیان اطلاق می‌شود که بر امامت امام صادق علیه السلام توقف کردند (مشکور، ۱۳۶۸: ۴۵۴). به اعتقاد آنها، ایشان همان مهدی موعودند و از دنیا نرفته و نخواهند رفت تا ظاهر شوند. این فرقه به ناووسیه معروف‌اند، زیرا رئیس‌شان شخصی به نام ناووس از مردم بصره بود (نوبختی، ۱۳۵۵: ۶۷؛ مفید، ۱۴۱۱: ۲۵۰).
۴. غلات فرقه‌هایی از شیعه‌اند که در تشیع افراط، و درباره ائمه خود گزافه‌گویی کردند و ایشان را به خدایی رساندند یا قائل به حلول جوهر نورانی الهی در ائمه و رهبران خود شدند یا به تناسخ قائل

گشتند. غالباً غلات یکی از ائمه را به خدا تشبیه کرده و مانند یهود و نصارا، قائل به تجسیم خداوند بودند (مشکور، ۱۳۶۸: ۱۵۱).

۵. مفوضه از گروه‌های غالی بودند که از زمان امام صادق (علیه السلام) تحت تأثیر کیسانیه ظهور کردند. این گروه از غلات، پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) را خدا نمی‌خواندند، بلکه معتقد بودند خداوند، کار جهان از خلق و رزق و اختیار تشریح احکام را به آنان تفویض فرموده است. نتیجتاً پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) عملاً تمام کارهایی را که خدا باید انجام دهد، انجام می‌دهند؛ با این فرق که قدرت خدا اصلی، و قدرت آنها تبعی و فرعی است. فرقیان با غلات ملحد آن بود که غلات ملحد، ائمه (علیهم السلام) را در عرض خدا و در درجه او می‌دانستند، ولی مفوضه ائمه (علیهم السلام) را در طول خدا می‌دانستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۶۲).

۶. «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ» (انبیاء: ۲۶-۲۷).

۷. وی امام هادی (علیه السلام) را خدا و خالق و مدبر جهان، و خود را نبی و فرستاده امام هادی (علیه السلام) می‌دانست (کشی، ۱۳۴۸: ۸۰۴ ح ۹۹۴ و ۹۹۵).

۸. «صوفی» منسوب به «صوف» به معنای پشم است؛ به همین دلیل، آنها را پشمینه‌پوش می‌خوانند و پشمینه‌پوشی دأب انبیا و حواریون و زهاد بوده است. محور تصوف بر سه اصل بود: ۱. اعتکاف برای عبادت که با هدف تصفیه نفس انجام می‌گرفت و از آن حقایق روحی استنباط می‌شد؛ ۲. دل‌آگاهی که باعث فیضان معرفت خدا در نفس انسان می‌شد؛ ۳. بر گرد افکار عشق، محبت، عرفان، معرفت، بقا و امثال آن می‌گشت (مشکور، ۱۳۶۸: ۳۰۳).

۹. «احذروا الصوفی المتصنع».

۱۰. ثنویه یعنی کسانی که دوحدایی را پذیرفته بودند؛ یکی خالق خیرات که همان یزدان باشد و دیگری خالق شر که اهریمن است، پس یکی نور است و دیگری ظلمت (طریحی، ۱۳۷۵: ۷۸/۱).

۱۱. «خدا مادرت را رحمت کند. و «تا» دارای نقطه از بالا است» [یعنی «ت» دو نقطه است، نه «یا» که «والدیک» خوانده شود].

منابع

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۷). *توحید*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸). *کشف المحجّة*، ترجمه: اسدالله مبشری، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن عمرانی، محمد بن علی (۲۰۰۱). *الإنباء فی تاریخ الخلفاء*، محقق: قاسم السامرائی، قاهرة: دار الآفاق العربیة.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۲). *تاریخ کامل ایران*، ترجمه: حمیدرضا آزیر، تهران: اساطیر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۰۵). *مناقب آل ابی طالب*، بیروت: دار الاضواء، ج ۴.
- ابو الفداء، اسماعیل بن علی (بی تا). *المختصر فی أخبار البشر*، مصر: المطبعة الحسینیة المصریة.
- احمدی کچایی، مجید؛ ترابی میدی، روح‌الله (۱۳۹۳). «رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در تقابل با جریان‌های انحرافی تا دوره غیبت»، در: *پژوهش‌های مهدوی*، ش ۱۱، ص ۲۷-۴۸.
- اریلی، علی بن عیسی (۱۴۱۰). *کشف العمّه فی معرفة الائمه*، بیروت: دار الكتاب الاسلامی، ج ۳.
- بهنیا، احمدرضا (۱۳۹۱). «مواضع و اقدامات سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام در برابر خلافت عباسی»، در: *فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۳، ش ۷، ص ۶۳-۸۴.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۷۴). *سیره پیشوایان*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم: انصاریان.
- حرّانی، علی بن شعبه (۱۳۸۲). *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: آل علی.
- خضری، سید احمدرضا (۱۳۷۷). *علل و عوامل تجزیه خلافت عباسی*، تهران: غدیر.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳). *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة، الطبعة الخامسة.
- شاهرودی، محمدرضا؛ ملک‌لو، صدیقه (۱۳۹۲). «امام حسن عسکری علیه السلام و اندیشه‌های انحرافی»، در: *سفیر نور*، ش ۲۵، ص ۸۳-۱۰۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). *اعلام الوریاء باعلام الهدی*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۴). *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طبری، محمدجواد (۱۳۷۱). *حیة الامام العسکری*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱). *رجال*، نجف: المكتبة الحیدریة.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *الغیبة*، تهران: دار الکتب الاسلامی.
- عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۴). «سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم علیهم السلام با مدعیان دروغین مهدویت»، در: *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س ۶، ش ۱۹، ص ۵۱-۷۲.

مقایسه نحوه مواجهه امام حسن عسکری علیه السلام با اقدامات ضداسلامی ... / ۲۷۳

قمی، شیخ عباس (بی تا). *سفینه البحار*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). *اختیار معرفة الرجال*، مشهد: مرکز مطالعات و تحقیقات دانشکده
الاهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۲). *اصول الکافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسوه.

مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲). *تنقیح المقال*، نجف: مرتضویه، ج ۱.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ج ۵۰.

مجمع جهانی علوم اهل بیت علیهم السلام (۱۴۲۲). *اعلام الهدایة*، قم: الطبعة الاولى.

محدث نوری، حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، الطبعة الثالثة.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۹۵). *مکتب در فرآیند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه
قرن نخستین*، ترجمه: هاشم ایزدپناه، تهران: کویر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۷۴). *التنبيه والاشراف*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران:
علمی و فرهنگی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب*، قم: دار الهجرة.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴). *اثبات الوصية للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام*، تهران: انصاریان.

مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۱). *الفصول المختارة فی العیون والمحاسن*، قم: ستاد کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد (بی تا). *الارشاد*، قم: بصیرتی.

مؤمن شبلنجی (بی تا). *نور الابصار فی مناقب آل المختار*، قاهرة: مکتبة المشهد الحسيني.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). *الرجال*، تحقیق: سید موسی الشیبیری الزنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵). *فرق الشیعة*، نجف: حیدریه.

یعقوبی، احمد بن ابی واضح (۱۳۷۴). *تاریخ یعقوبی*، تهران: علمی و فرهنگی.

References

- Abu al-Fada, Esma'il ibn Ali. n.d. *Al-Mukhtasar fi Akhbar al-Bashar (Summary in Human News)*, Egypt: Hoseyniyah Egyptian Publication. [in Arabic]
- Ahmadi Kachayi , Majid; Torabi Meybodi, Ruhollah. 2015. "Raftarshenasi Imam Hadi wa Imam Askari (A) dar Taghabol ba Jaryanhay Enherafi ta Doreh Gheybat (Behavior of Imam Hadi (AS) and Imam Askari (AS) in contrast to Deviant Currents Up to the Period of Occultation)". In: *Mahdavi Research*, no. 11, pp. 27-48. [in Farsi]
- Behniyafar, Ahmad Reza. 2013. "Mawaze' wa Eghdamat Siyasi Imam Hasan Askari (AS) dar Barabar Khelafat Abbasi (Positions and Political Actions of Imam Hasan Askari (AS) against the Abbasid Caliphate)". In: *Islamic culture and Civilization*, yr. 3, no. 7, pp. 63-84. [in Farsi]
- 'Erfan, Amir Mohsen. 2016. "Sabkshenasi Mowajeheh Imaman Ma'sum (AS) ba Modda'iyān Dorughin Mahdawiyat (Study of the Confrontation of the Infallible Imams (AS) with the False Claimants of Mahdism)". In: *The History of Islamic Culture and Civilization*, yr. 6, no. 19, pp. 51-72. [in Farsi]
- Erbeli, Ali ibn Isa. 1989. *Kashf al-Ghommah fi Ma'refah al-Aemmah*, Beirut: Islamic Book Institute, vol. 3. [in Arabic]
- Harrani, Ali ibn Sho'beh. 2004. *Tohaf al-'Oghul an Al al-Rasul*, Translated by Sadegh Hasanzadeh, Qom: Al Ali. [in Farsi]
- Ibn Athir, Ezz al-Din. 2004. *Tarikh Kamel Iran (The Entire History of Iran)*, Translated by Hamid Reza Azhir, Tehran: Asatir. [in Farsi]
- Ibn Babewayh (Sadugh), Mohammad ibn Ali. 2009. *Tohid*, Qom: Qom Seminary Teachers Association. [in Arabic]
- Ibn Omrani, Mohammad ibn Ali. 2001. *Al-Enba fi Tarikh al-Khulafa (Informing of the History of Caliphs)*, Researched by Ghasem al-Samerai, Cairo: Arab Horizons Institute. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. 1985. *Managheb Al Abi Taleb ((Virtues of Abi Taleb's Family)*, Beirut: House of lights, vol. 4. [in Arabic]
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1990. *Kashf al-Mahajjah*, Translated by Asadullah Mobashsheri, Tehran: Publication of Islamic culture. [in Arabic]
- Ja'fariyan, Rasul. 2009. *Hayat Fekri wa Siyasi Imaman Shia (The Intellectual and Political Life of Shiite Imams)*, Qom: Ansariyan. [in Farsi]

- Kashi, Mohammad ibn 'Omar. 1970. *Ekhtiyar Ma'refah al-Rejal*, Mashhad: Studies and Research Center of the Faculty of Theology and Islamic Teachings of University of Mashhad. [in Arabic]
- Khazri, Seyyed Ahmad Reza. 1999. *Elal wa 'Awamel Tajziyeh Khelafat Abbasi (Causes and Factors of the Disintegration of the Abbasid Caliphate)*, Tehran: Ghadir. [in Farsi]
- Khoyi, Abu al-Ghasem. 1992. *Mu'jam Rejal al-Hadith*, Qom: Islamic Culture Publishing Center, Fifth Edition. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad ibn Ya'ghub. 1994. *Osul al-Kafi*, Translated by Mohammad Bagher Kamarehyi, Tehran: Osweh. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar (Oceans of Light)*, Beirut: Al-Wafa Institute, Second Edition, vol. 50. [in Arabic]
- Majma' Jahani 'Olum Ahl Bayt (AS). 2001. *A'lam al-Hedayah*, Qom: First Edition. [in Arabic]
- Mamaghani, Abdollah. 1933, *Tanghih al-Maghal*, Najaf: Murtazawiyah, vol. 1. [in Arabic]
- Mas'udi, Abu al-Hasan Ali ibn al-Hoseyn. 1996. *Al-Tanbih wa al-Eshraf*, Translated by Abu al-Ghasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Mas'udi, Ali ibn Hoseyn. 1996. *Moruj al-Zahab*, Qom: Al-Hejrah Institute. [in Arabic]
- Mas'udi, Ali ibn Hoseyn. 2006. *Ethbat al-Wasiyah le al-Imam Ali ibn Abi Taleb (AS) (Demonstration of the Will for Imam Ali ibn Abi Taleb (AS))*, Tehran: Ansariyan. [in Arabic]
- Mashkur, Mohammad Jawad. 1990. *Farhang Feragh Islami (Culture of Islamic Denominations)*, Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Qods Razawi. [in Farsi]
- Modarresi Tabatabayi, Hoseyn. 2017. *Maktab dar Farayand Takamol: Nazari bar Tatawwor Mabani Fekri Tashayyo' dar Se Gharn Nokhostin (School Thought in the Process of Evolution: A look at the Evolution of Shiite Intellectual Foundations in the First Three Centuries)*, Translated by Hashem Izadpanah, Tehran: Kawir. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1990. *Al-Fosul al-Mokhtarah fi al-'Oyun wa al-Mahasen (Selected Chapters in the Eyes and the Virtues)*, Qom: Sheikh Mofid Congress Headquarters. [in Arabic]

- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. n.d. *Al-Ershad (Guidance)*, Qom: Basirati. [in Arabic]
- Mohaddeth Nuri, Hoseyn. 1988. *Mostadrak al-Wasael*, Qom: Al al-Bayt Institute, Third Edition. [in Arabic]
- Momen Shablanji. n.d. *Nur al-Absar fi Managheb Al al-Mokhtar (The Light of Sight in the Virtues of the Selected Family)*, Cairo: Mashhad Hoseyni Library. [in Arabic]
- Najjashi, Ahmad ibn Ali. 1987. *Al-Rejal*, Researched by Seyyed Musa Shobeyri Zanjani, Qom: Islamic Publishing Institute. [in Arabic]
- Nobakhti, Hasan ibn Musa. 1936. *Feragh al-Shiah (Shiite Denominations)*, Najaf: Heydariyah. [in Arabic]
- Pishwayi, Mahdi. 1996. *Sireh Pishwayan (Biographies of the Leaders)*, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute. [in Farsi]
- Qommi, Sheykh Abbas. n.d. *Safineh al-Behar*, Mashhad: Astan Qods Razavi Islamic Research Foundation. [in Arabic]
- Shahrudi, Mohammad Reza; Maleklu, Sedigheh. 2014. "Imam Hasan Askari (AS) wa Andishehaye Enherafi (Imam Hasan Askari (AS) and Deviant Thoughts)". In: *Safir Nur*, no. 25, pp. 83-100. [in Farsi]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1976. *Tarikh Tabari*, Translated by Abu al-Ghasem Payandeh, Tehran: Iranian Culture Foundation. [in Farsi]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1996. *E'lam al-Wara be A'lam al-Huda*, Qom: Al al-Bayt Institute. [in Arabic]
- Tabasi, Mohammad Jawad. 1993. *Hayat al-Imam al-Askari (The Life of Imam al-Askari)*, Qom: Islamic Propagation Office. [in Arabic]
- Toreyhi, Fakhr al-Din ibn Mohammad. 1997. *Majma' al-Bahrayn*, Tehran: Mortazawi Bookstore, Third Edition. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 2003. *Rejal*, Najaf: Al-Haydari Library.
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. n.d. *Al-Ghaybah (Occultation)*, Tehran: Islamic Book Institute. [in Arabic]
- Ya'ghubi, Ahmad ibn Abi Wazeh. 1996. *Tarikh Ya'ghubi*, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]